



# بایدها و نبایدها

## طنز رادیویی در آینه هنجارهای رسانه‌ای

شیلاجیلیان

کارشناس ارشد تحقیق در ارتباطات و پژوهشگر رادیو جوان

### چکیده

با گذشت ایام و ورود به دنیای مدرن و ظهور رسانه‌های نو، ضرورت به‌کارگیری طنز در رسانه‌های دیداری و شنیداری با توجه به گستردگی دامنه تأثیر آنها و نیاز روحی جوامع فراصنعتی بیشتر شده است. اصحاب هنر و رسانه، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی طنز را ابزاری برای تسکین جامعه، آرامش‌بخشی و تنبیه و تنبه خاطیان می‌دانند و ضرورت به‌کارگیری آن را همواره گوشزد می‌کنند. از این رو، شناخت طنز مطلوب و آگاهی از میزان موفقیت در ساخت برنامه‌های طنز اجتنابناپذیر است.

در شرع مقدس نیز شوخ‌طبعی ستوده شده و نشاط و شادمانی، نشانه جامعه ایمانی تلقی شده است. چنانچه امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در او شوخی و مزاح وجود دارد.»

در همین راستا، برنامه‌سازان همواره کوشیده‌اند که با ساخت برنامه‌های فکاهی و کمدی و خنده‌آور، مجموعه‌های انتقادی، اجتماعی و سیاسی خود را به طنز مطلوب نزدیک کنند. مدیران رسانه نیز کوشیده‌اند تا با کارشناسی، مطالعه، ارزیابی، نظرسنجی و... به چارچوب‌های طنز مطلوب رسانه‌ای دست یابند و هنرمندان را در شناخت این سبک برنامه‌سازی، قالب‌ها و سوژه‌های متناسب با آن هدایت کنند.

رادیو در جایگاه یکی از فراگیرترین رسانه‌ها، سال‌هاست مخاطبان خود را با برنامه‌های شاد و طنزآلود روزهای تعطیل، عصرگاهی یا موردی سرگرم و مسرور ساخته، در مسیر آگاهی‌بخشی و انداز مسئولان و دولتمردان و رفع مشکلات جامعه اسلامی گام‌های مهمی برداشته است.

حال به‌منظور بهبود و ارتقای برنامه‌های طنز در رادیو و همچنین دستیابی به اهداف و آرمان‌های پیشبینی‌شده در سند افق رسانه، مجموعه حاضر تحت عنوان «بایدها و نبایدها» تألیف و گردآوری شده است و امید که مورد توجه دست‌اندرکاران قرار گیرد.

## کارکرد و آثار طنز

مقوله‌های هنری، اثرگذارترین ابزار بر افکار و اعمال انسانی است. این تأثیرگذاری در طنز با شتاب، نفوذ و عمق بیشتری همراه است. تأثیر سریع و عمیق طنز بر شخصیت انسانی، مسئله‌ای است که به‌وضوح در جامعه دیده می‌شود. طنز با توجه به ویژگی‌هایی که دارد، می‌تواند طبق هدف موضوع، محتوا و نوع اجرا و نیز روش و ابزار آن، آثار مثبت یا منفی تولید کند. از این رو، علاوه بر هدف که در ابتدای کار ارزیابی می‌شود، باید اثر طنز نیز که نتیجه آن بر طنزپرداز و مخاطب است مدنظر قرار بگیرد.

## اثر طبیعی

منظور اثری است که همواره با طنز است و از آن جدا نمی‌شود. بنابراین در حد ذات خود، خوبی و بدی ندارد و این ما هستیم که با اهداف مخصوص و شرایط ویژه‌ای که ترتیب می‌دهیم، رنگ مثبت یا منفی به آن می‌بخشیم. اما اثر مثبت و منفی طنز، آثار ذاتی طنز نیستند، بلکه این طنزپرداز است که با افکار و اعمال خود این اثر را به‌وجود می‌آورد. آثار طبیعی بر دو گونه‌اند: فردی و اجتماعی

## آثار فردی

نشاط: انسان موجودی تنوع‌طلب است و کارهای تکراری و روزمره، به‌ویژه در زندگی شهری، او را دچار دل‌تنگی و افسردگی می‌کند و در نتیجه باعث بروز تنبلی در جامعه می‌شود. بروز این روحیه در جامعه، خطر بزرگی برای یک حکومت به شمار می‌آید. جامعه کسل و تنبل هرگز روحیه کار، تلاش و بلوغ را نمی‌یابد. بنابراین، بهره‌گیری از ابزاری برای ایجاد و تقویت روحیه و نشاط در جامعه، امری ضروری است. طنز می‌تواند در کنار کار، ورزش، تفریح و مسابقات علمی و فرهنگی، نشاط را برای جامعه به ارمغان آورد.

## خنده درمانی و آثار مطلوب و نامطلوب طنز

از آنجا که آدمی مخلوق انگیزه‌ها، کشش‌ها، احساس‌های هشیار و امکانات فطری خویش است، رفتارهای هنگامی به‌نجار است که تعادلی میان این عوامل برقرار شود. در واقع، تن و روان چنان با هم ارتباط نزدیک دارند که هر نوع دگرگونی در یکی، موجب دگرگونی در دیگری می‌شود. هنگامی که شخصی گرفتار بیماری‌های روحی و جسمی می‌شود، چنان بر اعصاب و

عوامل انگیزشی او فشار و تنش وارد می‌شود که رفتار و کردارش ناهنجار می‌شود.

روان‌شناسان در نتیجه پژوهش‌های خود دریافته‌اند که ناکامی‌هایی چون فقر، شکست و ناکامی در محیط کار و خانواده، برخوردار نبودن از استعداد و توان لازم برای رسیدن به اهداف و سایر عوامل در ایجاد بیماری‌های روانی مؤثر خواهند بود.

این عوامل و بسیاری موارد دیگر می‌توانند باعث بروز انواع بیماری‌های جسمی و روحی و اختلالات شخصیتی شوند که افراد مختلف در واکنش به آنها، رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دهند. در این شرایط خنده‌درمانی به عنوان شیوه‌ای طبیعی برای فایده‌آوردن بر رنج‌ها و فشارهای روانی تجویز می‌شود. خنداندن و خندیدن عوامل بسیار مهمی هستند که در رفع مشکلات تأثیر بسزایی دارند. لبخند زدن و خندیدن بر تولید هورمون‌های مؤثر بر ضربان قلب و فشار خون تأثیری مستقیم دارند. افرادی که به‌سادگی لبخند می‌زنند، نسبت به افرادی که همیشه غمگین به نظر می‌رسند از سلامت جسمی و روحی بیشتری برخوردارند. درحقیقت، همنشینی با افراد شاد، فراهم کردن محیط شاد زندگی، مشاهده برنامه‌های کمدی و گوش دادن به برنامه‌های طنز می‌تواند در رفع بسیاری از این ناهنجاری‌ها مؤثر واقع شود. فریب طنز را به انواع مختلفی دسته‌بندی می‌کند:

- ۱- طنز هدفدار که هدفی را دنبال می‌کند؛
- ۲- طنز جانشین‌ساز که در آن نکته‌ای خنده‌دار در رابطه با دشمن یا هر مورد دیگر مطرح می‌شود؛
- ۳- طنز انتقادی که موضوع آن مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... است.

فریب معتقد است زمانی خنده حادث می‌شود که رهایی از تنش به طور خودکار حاصل شده باشد. با خنده، رهاسازی احساسات سرکوب‌شده امکان‌پذیر می‌شود. وی بر این باور است که ما به طنز نیازمندیم؛ چرا که هرچه بزرگ‌تر می‌شویم، آمادگی ما برای اینکه افرادی عبوس و غمگین باشیم، بیشتر می‌شود. بچه‌ها به راحتی می‌خندند، اما مستتر که می‌شوند دیدن و توجه به جنبه خنده‌دار امور برایشان دشوار می‌شود و گرفتار مشکلات می‌شوند. ما به شدت نیازمند لطف‌های خنده‌دار هستیم تا دوباره بتوانیم با آن

بخش مهم وجودمان که می‌تواند بخندد رابطه برقرار کنیم.

طنز وسیله‌ای برای دستیابی به شادی با وجود تمامی اتفاقات اضطراب‌آور و شرایط نامساعد است و از ارزش ایمن‌سازی بسیاری برخوردار است؛ چرا که قسمت اعظم زندگی بزرگسالی دلگیرکننده است و ما باید سعی کنیم که شاد باشیم.

طنز ضروری است، زیرا مانع نگرانی بیش از حد در مورد مسائل زندگی می‌شود. به محض اینکه بتوانیم بخندیم، ناراحتی و نگرانی رخت برمی‌بندد و مشکل رنگ می‌بازد و اهمیت خود را از دست می‌دهد.

در حقیقت خنداندن یکی از وظایف سنگین افرادی است که حرفه آنها اجرای برنامه طنز است. در یک برنامه رادیویی که جنبه شنیداری دارد، خنداندن مخاطب بسیار دشوار است. مجری برنامه می‌کوشد حس شادی خود را به شنونده منتقل کند و به‌صورتی مستقیم به مخاطبان خود بگوید که هدف ما تنها خنداندن و شاد کردن شماست.

## آموزش

دومین اثر طبیعی طنز، آگاهی‌بخشی آن است که از اهمیت بیشتری برخوردار است. طنز اگر مثبت باشد و الگوهای مناسبی ارائه دهد، آموزش مثبت دارد و اگر عکس قضیه باشد، آموزش منفی در پی دارد. انسان هم‌زمان که به صحنه‌ای از طنز می‌خندد، با اطلاعات پیشین خود نیز ارتباط برقرار می‌کند و خواسته یا ناخواسته نکته‌ای از آن می‌آموزد. این یادگیری به مرور زمان در نحوه گفتار، عمل، تفکر و عقیده مخاطب حاصل می‌شود. این همان تأثیر غیرمستقیم در آموزش افراد و تغییر الگوها و علاقه‌مندی‌های آنهاست.

## آثار اجتماعی

پرکردن اوقات فراغت و کاهش بزهکاری: طنز می‌تواند برنامه‌ای تفریحی باشد و اوقات فراغت را پر و از بزهکاری جلوگیری کند. در زمان پخش برنامه‌های طنز، مردم سرگرم تماشای آنها هستند و بیشترین میزان مخاطب در میان برنامه‌های صداوسیما به برنامه‌های طنز اختصاص دارد.

## ایجاد زبان تفاهم اجتماعی و ملی:

با توجه به آنکه ماده اصلی تشکیل‌دهنده طنز، واژه‌ها و جمله‌ها هستند، از یک سو جملات و زبان بر طنز تأثیر می‌گذارند و از سوی دیگر طنز

با بیان شیوای واژگان و بیان نمکین عبارات و اصطلاحات بر زبان تأثیر می‌گذارد. برنامه طنز گاهی اصطلاحی جدید یا برداشتی جدید از یک اصطلاح را تولید می‌کند که باعث تغییر ساختار زبان شده و در فرایند زبان گفتاری رایج در جامعه که جزئی از فرهنگ عمومی است، ایجاد موج می‌کند. این تولید اصطلاح یا برداشت جدید از آن می‌تواند چنان در جامعه تأثیرگذار باشد که با وجود اختلاف زبانی در آن، اصطلاحی مشترک برای تفاهم اجتماعی همه اقشار فراهم آورد.

#### آثار نامطلوب برنامه‌های طنز

برنامه‌های طنزی که بیشتر به فکاهی شبیه‌اند، پیامدهای نامطلوبی از خود بر جای می‌گذارند. اهمیت تخریبی آنها در شخصیت فرد و اجتماع، لزوم مرزبندی دقیق میان طنز مطلوب و نامطلوب را روشن می‌سازد. این آثار به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم می‌شوند:

#### آثار نامطلوب فردی طنز

آثار فردی، مواردی هستند که شخصیت انسان را هدف می‌گیرند و در واقع به کرامت انسان و تمامی زوایای وجود او صدمه می‌زنند. این آثار عبارتند از:

**کاهش نیروی عقلانی:** برنامه‌های که جز لودگی و مسخرگی هدفی ندارد، به آرامی انسان را از وادی عقل و اندیشه خارج می‌کند و مجال تفکر سالم و منطقی را از او می‌گیرد؛ زیرا طنز نامطلوب این ایده را در ذهن پرورش می‌دهد که همه چیز مسخره است و به هر موضوعی می‌توان پوزخند زد و بیشتر افکار و اندیشه‌ها حالتی مسخره دارند.

**کمرنگ‌شدن ایمان به حقایق:** از جمله آثار روانی طنز، از بین رفتن باورهای عقیدتی شخص در امور حقیقی و ثابت زندگی است. طنزپرداز و همچنین مخاطب طنز نامطلوب، به تدریج از وادی حقایق خارج شده و همه چیز را با عینک شوخی و تمسخر می‌بیند. شخصی که همه چیزش مسخرگی و شوخی است، امور جدی‌اش نیز به شوخی تبدیل می‌شود و حالت هزل بر تمامی زندگی‌اش سایه می‌افکند. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هر که شوخیاش زیاد شود، رفتار و گفتار جدی‌اش باطل می‌شود.»

**زایل‌کننده وقار و هیبت:** از جمله آثار منفی طنز نامطلوب، شکستن وقار و هیبت طنزپردازان و

پایین آمدن شخصیت طنزپرداز در چشم مخاطبان است. چنین فردی اگر در جامعه محبوبیتی داشته باشد، به سبب کارهای مسخره‌ای است که انجام می‌دهد نه به دلیل شخصیت واقعی و انسانیش. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هر که مزاحش فزون شود، وقارش کم می‌شود.»

#### زایل‌کننده نورانیت و صفای باطن:

باطن انسان با حواس جمعی در ارتباط است و تأثیر دوجانبه دارد؛ یعنی هر چیزی که دیده یا شنیده، لمس یا حس می‌شود در باطن تأثیر می‌گذارد و از آن سو، باطن انسان در صورت پاکی و نورانیت، حواس را تحت کنترل خود دارد و از کارهای زشت بازمی‌دارد و در صورت ناپاکی و کدورت، آنها را به گناه وادار می‌کند. از این رو، چنانچه حواس انسان با طنز نامطلوب در ارتباط باشد و چشم و گوش او طنز بی‌هدف و همراه با تمسخر و غیبت و دروغ و ... را ببیند و بشنود، به تدریج باطن فرد صفای خود را از دست می‌دهد و از تماشای چنین برنامه‌هایی شاد می‌شود. بدین ترتیب، بدعا در نظرش خوب، و خوب‌ها در نظرش زشت می‌شوند.

#### آثار نامطلوب اجتماعی طنز

- **زمینه‌ساز کینه و دشمنی:** اگر هدف طنز غیرانسانی و غیراخلاقی باشد و در آن از روش‌ها و ابزارهایی چون تمسخر، دروغ، غیبت، عیب‌جویی و ... استفاده شود، نتیجه آن ایجاد اختلاف و فتنه در جامعه خواهد بود (طنزها و لطیفه‌های تمسخرآمیز نسبت به لهجه‌های زبانی یا قومیت‌ها). چنین طنزی به هیچ وجه یا مبانی دینی و اعتقادی سازگار نیست؛ چرا که اثرات مخربی بر وحدت و امنیت و فرهنگ جامعه می‌گذارد.

- **هتک حرمت و شخصیت افراد:** طنز منفی اگر با اموری چون تهمت، تمسخر و ... همراه باشد، طنزپرداز و مخاطب طنز را به سوی بی‌شخصیت‌دانستن افراد می‌کشاند. بنابراین، دیگر آبرو و شخصیت دیگران برای طنزپرداز معنایی نخواهد داشت و طنز را ابزاری برای ریختن آبرو و بدجلوه‌دادن شخصیت آنها قرار می‌دهد.

- **رواج امور غیراخلاقی در جامعه:** طنز نامطلوب به جای الگودهی مثبت و هدایت جامعه در مسیر کمال و انسانیت، ارزش‌های منفی یا ضد ارزش‌ها را مطرح می‌کند.

طنز، می‌تواند زاویه نگاه به مسائل اجتماعی را اصلاح کند و قادر است از یک سو چگونگی انتقاد مردم از دولت را تصحیح کند و از سوی دیگر، دولت را از میزان انتقاد و رضایت مردم نسبت به خود، آگاه سازد.

## آثار مثبت طنزهای مطلوب

### آثار فردی

- **توجه دادن به عیبها:** طنز نوعی انتقاد نوش و نیش دار است و در عین حال که وضعیت خاص اجتماعی، روش خاص زندگی، معاشرت، مدیریت و ... را نقد می کند، تک تک افراد را به درون متوجه می کند تا عیبهایی را که در طنز، بزرگ نمایش داده می شود در خود بررسی کنند و بر رفتار، افکار و عملکرد خود مروری داشته باشند. اگر طنز مثبت به چنین توفیقی دست یابد، خدمت بسیار بزرگی به جامعه اسلامی کرده است؛ چرا که معرفت نفس و کاستی های آن از سودمندترین علوم است.

- **تربیت صحیح و سریع:** دومین اثر مثبت و مهم طنزهای مطلوب، تربیت صحیح و اصولی افراد بر اساس آگاهی و خودباوری در کمترین زمان ممکن است. اگر طنز مطلوب بتواند آثار تربیتی صحیح را در زمانی مناسب و با بیانی جذاب و شیرین به مخاطب خود منتقل کند، کار بزرگی انجام داده است.

### آثار اجتماعی

- **ایجاد وحدت و همدلی اجتماعی:** مهم ترین اثر اجتماعی که هر طنز مطلوبی می تواند داشته باشد، افزایش وحدت و کنار گذاشتن اختلافات بی مورد و حساس نشدن به هر موضوع کوچک و بزرگ است. وحدت در نظام اسلامی دارای جایگاه رفیعی است و رسیدن به وحدت ملی، جهانی و دینی از جمله اهداف اسلام است. اگر طنز بتواند عامل ایجاد یا تقویت وحدت و همبستگی اجتماعی باشد، افتخار بسیاری نصیب خود کرده است. این مهم به دست نمی آید، مگر آنکه شعارها، حرکات، لحن ها، صحنه سازی ها، موسیقی ها و ... همگی در راستای زدودن کدورتها و زنگارهای اختلاف، و همدل و همراه نشان دادن جامعه باشد. چنین طنزی وقتی ساخته و پرداخته میشود که طنزپردازان دارای اندیشه های متعالی و بدون ملی گرایی و فرقه گرایی و خودخواهان طنز وحدت بخش باشند.

- **اصلاح رابطه مردم و دولت:** طنز، می تواند زاویه نگاه به مسائل اجتماعی را اصلاح کند و قادر است از یک سو چگونگی انتقاد مردم از دولت را تصحیح کند و از سوی دیگر، دولت را از میزان انتقاد و رضایت مردم نسبت به خود، آگاه سازد.

طنز مطلوب از نظر اسلام، طنزی است که در آن «لطف» و «حکمت» به هم درمی آمیزد و معجونی موردپسند برای روح پاک و تعالی طلب انسان پدید می آورد. طنز اسلامی ضمن آنکه لطیفانه می خنداند، حکیمانه می آموزد.

ایجاد جریان نقد اجتماعی با راه انداختن مجموعه های طنز در صداوسیما، فقط با هدف دستیابی به رشد کیفی آگاهی ها و اصلاح رفتار اجتماعی و رسیدن به احساس وحدت بخش ملی و سلیقه ای همگانی امکان پذیر است.





## طنز مطلوب از نظر اسلام

طنز مطلوب از نظر اسلام، طنزی است که در آن «لطف» و «حکمت» به هم درمی آمیزد و معجونی موردپسند برای روح پاک و تعالی طلب انسان پدید می آورد. طنز اسلامی ضمن آنکه لطیفانه می خنداند، حکیمانه می آموزد.

از نظر اسلام، طنز برای زیبایی یا طنز برای انسان، مردود و مذموم و طنز در خدمت انسانیت انسان و زندگی هدفدار او مطلوب و محبوب است.

از دیدگاه اسلام، به کارگیری طنز، مزاح و لطیفه در صورتی که بر مبنای حقیقت و صداقت استوار باشد و از حد اعتدال خارج نشود و هدف آن شادکردن مؤمنان و زدودن غبار خستگی و غم از روح و جسم آنها باشد، نه تنها جایز، بلکه کاری خداپسندانه و مورد تأیید و تأکید است.

## شرایط طنز پسندیده از منظر شرع و اخلاق

– **انگیزه و هدف طنز:** تعلیم و تدریس مبتنی بر هدف متعالی و طنزنویسی ادای تکلیف اجتماعی است.

– **محتوا و مواد:** مقصد و انگیزه مزاح باید حق باشد و نیت زشتی در کار نباشد. معیار طنز مطلوب آن است که از لفظهای رکیک، دروغ، ناسزا، ناراحت کننده، تفرقه برانگیز، تهدیدآمیز و تحقیرآمیز استفاده نشود.

– **کیفیت و روش:** هدف و محتوای طنز، باید درست و به دور از عیبها و گمانهای شیطانی باشد. ممکن است در جایی شیوه شوخی و کیفیت ادای آن به صورت عرفی یا اخلاقی ناپسند باشد.

– **سوژه و موضوع:** موضوع سرگرمی و فکاهی هرگز نباید از مقدسات دینی یا افتخارات ملی باشد. آنچه شوخی با آن احساسات عمومی را جریحه دار میسازد یا نظم جامعه را بر هم می زند، نباید دستاویز بذله گویی قرار بگیرد.

– **میزان و مقدار:** مداومت بر مزاح و افراط در آن انسان را از حق و اعتدال خارج می کند و در بلندمدت اخلاق جامعه را به سوی لودگی، بی بندوباری و تن پروری و نیز بیکاری سوق می دهد.

## اهداف طنز از دیدگاه اسلام

– ایجاد سرور و نشاط؛

– انتقاد سازنده؛

– آموزش.

این اهداف همراه با عناصر جذابیت، تقارن و توازن یا فقدان آن، غافلگیری و کنجکاوی، طنز مطلوب را می سازند.

## ضرورت های اخلاقی طنزپرداز

– برخورداری از نگاهی کریمانه و شرافتمندانه به تمامی اقشار و گروه های جامعه؛

– پارسایی؛

– درک اوضاع و شرایط حاکم بر جامعه؛

– اولویت بندی در پرداختن به امور و همه جانبه نگری؛

– تعیین محدوده و چارچوب طنز؛

– مراقبت همه جانبه از جنبه های متعدد اجتماعی.

## کارکرد طنز در رادیو

استفاده از برنامه ها، نمایشنامه ها، اشعار، لطیفه ها و قطعات طنزآمیز در رادیو سابقه ای به اندازه تاریخ ظهور رادیو در جوامع انسانی دارد. از آنجا که رادیو به تعبیر «پل تبلیغ» یک وسیله «تدافعی» است و در همبستگی با «زمان» نیازهای آن کامل می شود، هرگونه برنامه سازی به ویژه برنامه سازی طنز در رادیو، مستلزم درک وضع و حال انسان در عصر حاضر به اصطلاح مدرن و گاه پست مدرن است؛ چرا که اگر رادیو بخواهد برنامه های درخور مخاطب عصر و حیرت ها و پیچیدگی های آن پدید آورد، علاوه بر درک شرایط زندگی مدرن، باید قالب و صورت مناسبی برای مخاطبان پدید آورد. از این رو، برای بیان این وضع و حال تناقض آمیز، قالب طنز از سایر قالبها مناسب تر است. می توان طنز را نگرشی تلقی کرد که می تواند به بهترین شیوه، وضع و حال انسانی را بیان کند که در تطبیق با موقعیت جدید زندگی ناموفق است.

شاید یکی از رسالت های طنز رادیویی در زمانه ما، بیان تناقض آلودگی روزگار ما و تنبهدادن به شنونده برای درک وضعیت انسان جدید باشد که می توان گفت شرط نخست چاره اندیشی برای حل مشکلاتی باشد که بشر در زمانه ما با آن روبه روست.

اکثریت بر این نکته اتفاق نظر دارند که یکی از کارکردهای سرگرم کننده رادیو، به ویژه برنامه های متنوع طنز آن است که به طریقی به مخاطب کمک کند تا از جهان واقعی و مشکلات آن بگریزد. اما در مقام به کارگیری صحیح طنز

در یک رسانه فراگیر، سه عامل باید گرد هم آیند تا جایگاه واقعی این ابزار مؤثر در حفظ سلامت جامعه ایجاد شود:

۱- شناخت دقیق شیوه های پردازش هنرمندانه و روش های بیان تلطیف شده واقعیت های تلخ که ادبیات غنی ما، طنزپرداز را از آن برخوردار می سازد؛

۲- آشنایی عمیق با مسائل و معضلات اجتماعی و دردهای جامعه و توان شناخت لایه های زیرین و پنهان شخصیت ها و قواعد اجتماعی؛

۳- آرمان گرایی که از آن می توان به عنوان محرک اصلی پیمودن راه دشوار اصلاحگری نام برد و عواقب آن را تحمل کرد.

## انواع برنامه های طنز رادیویی

### از لحاظ بصری نبودن رادیو

بصری نبودن یا به اصطلاح کوربودن رادیو همزمان به عنوان مؤلفه ای منفی و مثبت در نظر گرفته می شود و برنامه های طنز نیز برحسب این دو تقسیم توضیح داده می شود.

در نوع اول و البته قدیمی تر برنامه های طنز که اندرو کرایسل نام آن را «تئاتر سنتی» گذاشته است، همواره از حاضران و مخاطبان استودیویی تشکیل می شود و دیداری نبودن را از طریق حضور این مخاطبان در سالن های تفریحی نمایش و موسیقی جبران می کند. این نوع طنز به صورت عمدتاً با سرگرمی هایی چون نمایش، لطیفه گویی، آوازخوانی و داستان های خنده آور و... همراه است. گروهی از منتقدان عقیده دارند که با حضور این مخاطبان و صدای انفجارگونه خنده ها علاوه بر اینکه برنامه تصنعی می شود، معمولاً به مخاطب خارجی نیز توجه چندانی نمی شود و اغلب محور برنامه ها، همان مخاطبان داخل استودیوست. از این رو، مخاطب بیرونی، خود را چندان در متن برنامه احساس نمی کند و به حاشیه و سایه فرومی غلتد.

در نوع دوم که طنز متأخر رادیویی را تشکیل می دهد، تصویری نبودن رادیو کیفیتی مثبت محسوب می شود و از طریق آن این امکان فراهم می شود که «قدرت تخیل و تصویرسازی شنونده» آزاد و رها شود؛ به نحوی که هم سرعت اجرای این کمدی ها و هم تدارکات آنها تغییر کند. ماهیت و میدان عمل این نوع برنامه های طنز به گونه ای است که فراتر از نوع سنتی آن است،

اما چندان موفقیتی به دست نیاورده، همواره تعداد محدودی از مخاطبان را پوشش داده و تا حد زیادی تصنعی به نظر رسیده و از ارزش سرگرمی پایینی نیز برخوردار است. مسئله درخور توجه در مورد این نوع طنز، تحقیقاتی است که در مورد موسیقی طنز و همراه بودن برنامه‌های طنزآمیز با موسیقی صورت گرفته است.

### از لحاظ ارزش ادبی

**الف. برنامه‌های طنز منظوم:** این برنامه‌ها اغلب عامیانه، روزمره و فاقد پیام یا درون‌مایه مهمی هستند. این برنامه‌ها یا صرفاً به صورت شعر قرائت می‌شوند و یا به صورت ترانه، تصنیف یا سرودی هستند که موسیقی و آهنگی روی آنها گذاشته می‌شود. موسیقی این گونه ترانه‌های طنز به صورت عمد، ریتم و ضرباهنگ تندی دارند. این نوع طنز عامیانه که ارزش محتوایی و ادبی اندک دارد، ولی از جنبه سرگرمی، با ارزش است، گاهی به صورت تحریف، جعل یا قرائت نادرست اشعار مشهور شاعران بزرگ ساخته می‌شود (درد هجری کشیده‌ام کم میرس).

اما نوع دیگری از طنزهای منظوم مبتنی بر ادب فارسی بوده و دارای رنگ و بوی تربیتی یا اشارات و تشبیهات حکیمانه هستند که گاهی به صورت برنامه‌های طنز مستقل و گاه در خلال برنامه‌های دیگر به اجرا درمی‌آیند.

**ب. برنامه‌های طنز منثور:** طنزهای منثور اغلب به شکل نمایشنامه، لطیفه یا قطعه‌های طنزآلود در عرصه رادیو به ظهور رسیده‌اند و از حیث محتوا گاهی عامیانه، گاهی حکیمانه یا فیلسوفانه و گاه با درونمایه‌های عظیم انتقادی-اجتماعی همراه بوده‌اند. نوع اخیر احتمالاً با اهمیت‌ترین و تأثیرگذارترین نمونه‌های طنز رادیویی است.

طنزهای منثور عامیانه، اغلب تا حدودی سطحی و روزمره‌اند که با برجسته کردن بیرویه برخی جنبه‌های فردی یا جمعی زندگی روزمره، موجب خنده و سرگرمی مخاطب می‌شوند، ولی در عین حال به واقعیات و حوادث جمعی و جاری در جامعه توجه دارند.

گروه دیگر یعنی طنزهای حکیمانه را می‌توان طنزهای خفی نامید؛ یعنی طنزهایی که طنزآلودبودنشان با تأمل و اندیشه حاصل می‌شود و به نکته‌ها و مضامین عمیق حکیمانه اشاره می‌کنند.

اما نوع سوم طنزهای منثور که شاید مهم‌ترین کارکرد را در میان برنامه‌های طنز رادیو داراست، به طنزهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مربوط می‌شود. این نوع از برنامه‌های طنز اغلب بسیار کارآمد، پرمخاطب و پردامنه بوده و اصلاحگر موارد موردانتقاد هستند. طنزهای انتقادی وسیله‌ای برای مبارزه با بیان عقاید و افشاگری هستند و در بسیاری از موارد، لحن گزنده و نیش‌داری دارند.

### ویژگی‌های زبانی طنز

هر متن گفتاری یا نوشتاری طنزی بنا بر اینکه از چه رسانه‌ای-دیداری یا شنیداری- ارائه شود، ممکن است ویژگی‌های زبانی خاصی را به خود اختصاص بدهد، اما به نظر می‌رسد برخی از ویژگی‌های زبانی در همه آنها ثابت است.

یکی از این ویژگی‌ها، استفاده از پیش‌انگاری‌های معنایی است. پیش‌انگاری زمانی مطرح می‌شود که مخاطب بتواند از طریق و برحسب اطلاعات موجود به اطلاعات دیگری دست یابد. این حالت معمولاً در لطیفه‌ها پیش می‌آید.

از دیگر ویژگی‌های زبانی به کاررفته در قالب طنز، استفاده از تلویحات معنایی است. تلویح یا معنای ضمنی زمانی به‌وجود می‌آید که ما جمله خود را با پیامی بیش از آنکه می‌گوییم و به زبان می‌آوریم از اطلاعات مملو کنیم و بیش از آنکه می‌گوییم، مراد و منظور داشته باشیم. اگرچه از لحاظ زبان‌شناختی به نظر می‌رسد که در اجرای برنامه‌های طنز، واژه‌ها و ساخت‌های جملات هیچ تفاوتی با گفتار روزمره ندارند، اما چنین نیست و ساخت‌های بیانی معنایی متفاوت از معنای تحت‌اللفظی واژه‌ها دارند. در اجرای اینگونه برنامه‌ها از صنایع ادبی چون کنایه، استعاره، مجاز و... بهره می‌گیرند یا در لفافه صحبت می‌کنند یا جمله‌ای مستقیم را به لحاظ آهنگ و ریتم متفاوت از گفتار عادی بیان می‌کنند و از موسیقی شاد نیز کمک می‌گیرند.

از دیگر خصایص زبانی اغلب طنزها استفاده آنها از لهجه‌های اجتماعی، گونه‌های زبانی جغرافیایی و تقلیدهای گویشی است که بیشتر در طنزهای گفتاری نمود پیدا می‌کند. علاوه بر این شیوه به نمادپردازی از شخصیت‌های نمایشی در طنزهایی که در فواصل زمانی معین و به صورت ادواری ارائه می‌شوند نیز می‌توان اشاره کرد. هر چه این شخصیت‌های نمادین بیشتر پرورده شوند،

جلوه نمادین آنها بیشتر تقویت می‌شود و مخاطب بیشتر از آنچه او در ذهن دارد آگاه می‌شود و در نتیجه این جنبه نمادین تقویت یافته به تدریج به صورت یک شخصیت کمیک معروف درمی‌آید.

### ضرورت‌های طنز رادیویی و تلویزیونی

سه عامل اصلی موفقیت رادیو و تلویزیون‌های بومی در طراحی، ساخت و ارائه طنز عبارتند از:

- ترویج و گسترش زبان واحد ملی؛

- ارائه علاقه‌های فرهنگی مشترک؛

- تحکیم مبانی اعتقادی و مذهبی.

طنزی که در صداوسیما ارائه می‌شود چون همه سطوح مختلف جامعه را مورد خطاب قرار می‌دهد، باید تا حد امکان مشترکات را مدنظر قرار دهد تا برای همه سطوح قابل فهم باشد. به بیان دیگر، باید به موضوع‌هایی پرداخته شود که باورها و اعتقادات مخاطبان را هدف قرار ندهد.

رسالت صداوسیما ساختن، تربیت و پرورش اخلاق در جامعه است. برنامه‌های «طنز» هم باید این مهم را تقویت کنند. بنابراین طنزی که عوارض بدی بر اخلاق و ادب اجتماعی می‌گذارد، هر چند بُرنده هم باشد قابل ارائه در رسانه نیست.

طنز رادیویی و تلویزیونی باید بدون موضع‌گیری حزبی یا برداشتی کاملاً منصفانه، با زبانی هنرمندانه، نقایص و مشکلات موجود در امور مملکتی را بیان کند و مردم را به برخورد منطقی با چنین مشکلاتی ترغیب نماید.

طنزنویس باید طنز را بشناسد، به جامعه عشق بورزد و بدون حب و بغض شخصی بنویسد. طنزنویس باید مسائل جامعه خود را به خوبی بشناسد. پس در عمل باید یک جامعه‌شناس باشد. در این راستا، صداوسیما باید در جلب همکاری این گروه از اهل قلم، جامعه‌شناسان طنزپرداز و طنزپردازان جامعه‌شناس قدم بردارد.

رسانه‌های رادیو و تلویزیون با برد وسیع خود، نمی‌توانند تنها وسیله تفریح و سرگرمی قلمداد شوند. از این رو، افزایش سطح آگاهی و شعور افراد جامعه، باید در دست اهداف آنها باشد. مهم‌ترین جنبه تهیه و تجسم نمایشی طنز در صداوسیما تأکید بر کیفیت ارائه فرهنگی و هنری آن است که در کانون اثر دارد.

طنزنویس مقصد معلومی دارد، ولی به‌ناچار به کنایه و تمثیل و ترفندها و تمهیدات فکری و

ادبی شخصی روی می‌آورد و به زبان و لحن ویژه‌ای عمل می‌کند؛ چرا که هر تکنیکی باید با موضوع و جانمایه خود تناسب داشته باشد.

طنز رسانه‌ای نباید در تضاد با موقعیت اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و قومی مردم قرار گیرد. تهیه و تولید چنین برنامه‌هایی از صداوسیما حتی به سهو، باعث سلب اعتماد مردم می‌شود و ناخودآگاه زمینه تفرقه و دشمنی و انحراف اذهان را فراهم خواهد آورد.

ایجاد جریان نقد اجتماعی با راه‌انداختن مجموعه‌های طنز در صداوسیما، فقط با هدف دستیابی به رشد کیفی آگاهی‌ها و اصلاح رفتار اجتماعی و رسیدن به احساس وحدت‌بخش ملی و سلیقه‌های همگانی امکان‌پذیر است.

طنز اگر ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی، مصالح اجتماعی و موازین مذهبی، آداب و رسوم، آرمان و عقیده، درد و رنج، خاطره و خیال و مثل کوچه و بازار را در درون خود نگنجاند، زبانش الکن و به ریا و دروغ آغشته می‌شود و لحن بیان آن بد و ناپسند خواهد شد.

صداوسیما با ساخت برنامه‌های طنز پنج‌ره‌ای به‌روی یک سلیقه ملی و مذهبی می‌گشاید. این سلیقه همگانی هنگامی حاصل می‌شود و نمود پیدا می‌کند که با نوآوری عجین شود. بی‌تردید، خلاقیت و نوآوری با انگیزه‌های اخلاقی و مذهبی به ایجاد جریان فرهنگی می‌انجامد. حال می‌توان جهت بهره‌گیری هر چه مناسب‌تر از طنز در رادیو، راهکارهای ذیل را ارائه کرد:

۱- اندیشه کشوری داشتن در ساخت برنامه‌های طنز با توجه به دامنه و گستره پوشش رادیو در سراسر کشور.

۲- توجه خاص به وفای عمومی و وحدت ملی.

۳- تکریم قومیت‌های مختلف، بهره‌گیری از لهجه‌های گوناگون در جهت جذب و جلب مخاطبان، بسیار مؤثر است، اما در چگونگی بهره‌گیری از این ابزار باید مدبرانه اندیشید و عمل کرد.

۴- رعایت ادب و نزاکت کلی در عین صمیمی‌شدن و خودمانی‌شدن با شنونده؛ چراکه رادیو رسانه‌ای است که همه از آن توقع فرهیختگی و وقار دارند.

۵- به واقعیت نزدیک‌بودن طنز نوشتاری و ادبی در رادیو از طریق پرهیز از لودگی، مسخرگی و هزل، حذف متن‌های کم‌مایه، ضعیف و سست

و بهره‌گیری از نویسندگان خلاق و نوآور با قلم‌های شیوا، محکم و متین.

۶- آشنایی نویسندگان طنزهای رادیویی با اساتید و پیشکسوتان طنز از طریق مطالعه آثار آنها به‌منظور دریافت و شناخت طنز؛ مانند **چرند و پرند** علامه علی‌اکبر دهخدا.

۷- تشکیل «شورای نویسندگان طنز» و آموزش نویسندگان طنزپرداز در تهران و مراکز شهرستان‌ها به منظور تبیین و ترسیم ویژگی‌های طنز رادیویی برای آنها.

### نقاط ضعف و محدودیت‌های طنز

مانع بسیار مهمی که بر سر راه نقد اجتماعی مؤثر یا طنز قرار دارد، سیاست خنثی و بی‌طرف سازمان در قبال رفتارهای نیازمند تشویق یا تقبیح نهادهای جامعه است. اینکه در سازمان، هدفگیری هیچ برنامه‌ای نباید برای هیچ سازمان، نهاد و جمعیتی تبلیغ یا ضد تبلیغ تلقی شود، محدودیت خطرناکی است که کمترین ثمره‌اش برداشت تخطئه‌آمیز از طنز و انتقاد در جامعه است. بی‌شک، مسبب اصلی این حصار فلج‌کننده، ناتوانی سازمان از تولید نقد متعالی در هر قالب است.

در رادیو و تلویزیون فعلی ما جایگاه مخصوصی جهت ارائه طنز تفکیکی وجود ندارد. هر لودگی، تمسخر، لطیفه و جوک، گاه به‌عنوان طنز در فواصل برنامه‌ها پخش می‌شود. در این برنامه‌ها

رسالت صداوسیما ساختن، تربیت و پرورش اخلاق در جامعه است. برنامه‌های «طنز» هم باید این مهم را تقویت کنند. بنابراین طنزی که عوارض بدی بر اخلاق و ادب اجتماعی می‌گذارد، هر چند برنده هم باشد قابل ارائه در رسانه نیست.



کمتر به مخاطب و ساعات پخش توجه می‌شود و به‌طور کلی برنامه، هدف خاصی را دنبال نمی‌کند.

به‌طور کلی می‌توان گفت که نقاط ضعف اصلی طنز رادیو و تلویزیون در ایران بر سه محور اصلی استوار است:

الف. بی‌توجهی به ایده یا پیام اصلی که در اصل بیانگر جوهر فکری نویسنده و دیدگاهش در قبال جهان اطراف است و بدون آن مخاطب به نتیجه مشخصی از اصل شوخی نمی‌رسد.

ب. تأکید یک‌جانبه بر ارائه طنزهای عاطفی و هیجانی که نیازی به اندیشیدن و تحلیل مسائل در مخاطب بر نمی‌انگیزد و او را در قبال شوخی در موقعیتی انفعالی و غیرخلاق قرار می‌دهد.

ج. دامن‌زدن ناآگاهانه به گسترش نوعی طنز موهن که اساسش بر کم‌دی خصلت‌هاست و در آن مناسبات خانوادگی و اجتماعی افراد به‌گونه‌ای کلیشه‌ای سیاه و سفید تصویر می‌شود.

یکی از اقدامات مهم در رفع محدودیت‌ها، نهادینه‌کردن انتقاد اجتماعی در قالب‌های گوناگون است. چنانچه این موضوع عمیقاً در دو رسانه رادیو و تلویزیون استقرار یابد و روحیه نقدپذیری جامعه را بهبود بخشد، خودبه‌خود راه برای ارائه طنزی واقعی هموار خواهد شد.

## راهکارهای پیشنهادی ارتقای

### برنامه‌های طنز رسانه

- ایستگاهی جدید به نام ایستگاه تجربی تأسیس شود که برنامه‌های آن بعد از احراز رتبه مجاز به ایستگاه‌های چندگانه راه یابد تا هم مجالی برای افراد آماتور پیدا شود و هم تنبیهی برای کارهای بی‌کیفیت باشد. در بخش اول، جوانان و افراد جدید، میدانی برای ارائه افکار نو پیدا می‌کنند و افرادی که از توانایی‌های علمی، تخصصی و استعداد برنامه‌سازی برخوردار هستند، می‌توانند به محیط‌های حرفه‌ای مناسب راه یابند. در بخش دوم نیز با ایجاد فضای رقابتی به کیفی‌سازی برنامه‌ها کمک می‌شود.

- برنامه‌سازان و نویسندگان طنزهای رادیویی و تلویزیونی با طنزپردازان مطبوعات گرد هم آیند و با پشتیبانی سازمان و حمایت حقوقی و اطلاعات پژوهشی منسجمی که در اختیارشان قرار می‌گیرد، هدایت‌کننده طنزهای متعالی جامعه باشند.

- سازمان با دیگر مراکز آموزشی، پژوهشی،

فرهنگی و علمی روابط مستحکمی پیدا کند تا به‌تدریج سوژه‌های داستانی یا انتقادی عمق و وسعت لازم را بیابد.

- گروهی متشکل از محققان توانمند به شناسایی آثار طنز علما و دانشمندان مسلمان بپردازند که با هدف محکوم‌کردن ظلم و فساد و تباهی، به قصد تعلیم و تربیت و هدایت مردم یا برای نافذترکردن مطالب حکیمانه و اخلاقی و زدودن غبار خشکی از جدیت و حقیقت، طراحی و پردازش شده‌اند. این اقدام از چند مزیت برخوردار است:

- احیای نام و آثار ارزشمند حکما، عرفا و ادبای مسلمان؛

- پخش هنرمندانه این آثار با اهداف عالی؛  
- ارتقای توانایی محققان فوق‌جهت طراحی و پردازش طنزهای تربیتی، انتباهی و انتقادی.

به‌عنوان نمونه، از آثاری چون **مثنوی و فیه‌ما‌فیه** مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، **مثنوی طاقدیس** حاج ملااحمد نراقی، **لطایف‌الطوائف** مولانا فخرالدین علی صفی، **جوامع‌الحکایات** محمد عوفی و... می‌توان نام برد.

- رشته‌های تخصصی در زمینه کم‌دی، به‌ویژه طنز همانند سایر رشته‌ها و گرایش‌ها چون بازیگری، کارگردانی، نویسندگی و... در دانشکده صداوسیما و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی تأسیس شود.

- گروه‌های تخصصی برای بررسی و ارزیابی برنامه‌های طنز قبل از پخش آنها در نظر گرفته شوند.

بیان انتقادهای تلخ به گونه‌ای شیرین، عقیق و متصفاانه زمانی رشد می‌یابد که اعتقادی به اصلاح جامعه از درون به‌صورت دوجانبه (فرهیختگان و مدیریت کلان جامعه) باشد. اگر اراده قوی مدیریتی برای فراهم‌آوردن زمینه رشد طنز به‌منظور ایفای نقش بهترین اصلاحگر نباشد، به‌طور قطع هدف صرفاً خندانند خواهد شد.

### منابع و مأخذ

- **طنز رسانه با تأکید بر طنز رادیویی**. فرشته جعفری. ویژه‌نامه نخستین هم‌اندیشی طنز رادیویی.
- **مجله رادیو**. شماره ۲۸. ویژه طنز.
- **نمایی از طنز دینی**. ولی‌الله عظیمی. مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.